



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر محمود قزوینی 12 خرداد 85 - 02 یونی 2006

www.hekmatist.com

قوم پرستان به خیابان می کشانند،

جمهوری اسلامی سرکوب میکند

در این تحرکات ارتجاعی نباید شرکت کرد

همه دستگیر شدگان وقایع اخیر شهرهای آذربایجان باید آزاد شوند.

جمهوری اسلامی دست به سرکوب مردم در شهرهای مختلف آذربایجان زده است. در این میان مردم بی دفاع قربانی کشمکش جنبش ارتجاعی قومی و جمهوری اسلامی هستند و تعداد قابل توجهی از شهروندان جامعه کشته و زخمی و با دستگیر شده اند. همه دستگیر شدگان رویدادهای اخیر شهرهای آذربایجان فوری باید آزاد شوند. جمهوری اسلامی وحشیانه سرکوب می کند. سرکوبگری جمهوری اسلامی محکوم است. در این میان قوم پرستان فاشیست آذربایجان ابایی ندارند. تعداد بیشتری را جلو گوله می فرستند، از مردم دعوت میکنند در این جنگی که دو طرف آن دشمنان مردم هستند شرکت کنند.

دست اندرکاران حکومت اسلامی هم آتش بیاره معرکه شده اند.

نماینده ارومیه در مجلس خبر داده است که قرار است ۱۰ هزار نفر از تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان به طرف تهران حرکت کنند و در مقابل مجلس اسلامی تجمع کنند. این در حالی است که که تجمع یکشنبه در مقابل مجلس با حمله وحشیانه نیروهای رژیم ادامه در صفحه 2

مانا نیستانی و مهرداد قاسم فر

فورا باید آزاد شوند

تحرکات قومی هفته گذشته در آذربایجان، به بهانه انتشار طنزی در مورد زبان ترکی، موجب دستگیری مانا نیستانی کاریکاتوریست و مهرداد قاسم فر سردبیر ویژه نامه هفتگی "ایران" شد.

رهبان قومی انتشار طنزی را بهانه کردند و در کنار اسلامی ها میخ دیگری بر تابوت خفه کردن حق بیان وارد آوردند. قومی ها فرمان "غیر ترک" کشتی سردادند و جمهوری اسلامی دو ژورنالیست "خطاکار" که مرتکب "کفر" اینبار نه "اسلامی و مذهبی" که "قومی" شده بودند و به مقدسات قومی "توهین" کرده بودند را مجازات کرد و به زندان انداخت. مانا نیستانی کاریکاتوریست و مهرداد قاسم فر سردبیر نشریه "ایران" اولین قربانیان "خفقان قومی" اند. معماران جدید "خفقان قومی" در کنار حاکمان "خفقان اسلامی" تلاش میکنند که اعتراضات مردم را به بیراه بکشانند و همانطور که بر تن انقلاب ۵۷ مردم ایران برای آزادی و برابری لباس اسلامی پوشانند، بر قامت جنبش سرنگونی لباس قومی بپوشانند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست دستگیری مانا نیستانی و مهرداد قاسم فر را محکوم میکند و همه آزادیخواهان و طرفداران دفاع از آزادی عقیده و بیان را فرا میخواند که برای آزادی آنها تلاش کنند. نباید اجازه داد به هیچ بهانه ای، از جمله به بهانه توهین به مقدسات مذهبی و ملی و قومی و ایدئولوژیکی، آزادی بیان کسی را نقض کرد.

بر پرچم جنبش سرنگونی رژیم اسلامی خواست آزادی بدون قید و شرط عقیده و بیان ثبت شده است. باید از آن حراست کرد و اجازه نداد هیچ کس را به هیچ بهانه ای به خاطر بیان خود دستگیر و شکنجه و از حقوق اجتماعی و فردی محروم کرد.

مردم ایران و جوانان آزادیخواه!

فریب رهبران خودگماره قومی را نخورید. اجازه ندهید که به هیچ بهانه ای این دو ژورنالیست در زندان بمانند. اجازه ندهید که جمهوری اسلامی با استفاده از فضای تحرکات قومی خواستهای آزادیخواهانه شما را سرکوب کند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۶ خرداد ۸۵ - ۲۷ مه ۲۰۰۶

هفته منصور حکمت را گرامی بداریم 4 تا 11 ژوئن



در باره ملیت، تقسیم بندی مردم به قوم و

ملت، مساله ملی و ستم ملی و...

سوال و جواب با منصور حکمت در جلسه پالتاک ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱

سوال: آیا ایران کشور چند ملیتی است؟

منصور حکمت: اطلاق چند ملیتی به یک کشور یا یک جامعه یک انتخاب سیاسی است، کما اینکه اگر بپرسند آیا ایران یک جامعه اسلامی است، من میگویم نه، یکی میگوید آره. به نظر من ملت و ملیت مقوله‌ای است سیاسی، مقوله‌ای است ایدئولوژیکی. کسی که تصمیم میگیرد برای مثال یک انسان را با قومیتش تعریف کند و بگوید من این را "آذری" میدانم، این را "هوتو" میدانم، این را "پشتو" میدانم، این را "ایگو" میدانم، این را "باسک" میدانم و... دارد یک انتخاب سیاسی میکند و دارد رنگ ایدئولوژی خودش را به آن جامعه میزند.

ایران ممکن است چند ملیتی باشد یا نباشد، بستگی به این دارد که ایدئولوژی رسمی در آن کشور و تبیین رسمی از آن کشور را کسانی مینویسند که مقولات قومی برای شان برجستگی دارد یا نه؟ اگر من باشم میگویم نه فقط ایران، بلکه هیچ جا، کشورهای جهان ادامه در صفحه 4

مصاحبه با بهرام مدرسی دبیر تشکیلات کل کشور حزب حکمتیست:

دانشگاه تربیون سیاسی جامعه است و از این تربیون باید حداکثر

استفاده را برای افشا و عقب راندن فاشیسم قومی کرد.

در صفحه 3

جنبش سرنگونی طبلی آزادیخواهانه و جنبش سرنگونی طبلی قومپرستانه

ارتجاعی محمود قزوینی

در صفحه 2

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ادامه بیانیه از صفحه 1

قوم پرستان به خیابان می کشانند،

جمهوری اسلامی سرکوب میکند

سرکوب شده است.

جمهوری اسلامی را فقط قدرت و همبستگی مردم زیر پرچم آزادی و برابری می تواند به زیر بکشد و بساط سرکوبشان را در هم بشکند. کسانی که صف مردم را پاره پاره میکنند، آنها را به بهانه قومیت تکه تکه میکنند، فقط میخواهند از فرصت جنگ داخلی و قربانی شدن مردم برای به کرسی نشاندن سناریوی سیاه خودشان بهره بجویند. ارتجاع قومی و ارتجاع اسلامی هر دو همدست هم در

سرکوب و عقب راندن مردمند.

مردم!

اجازه ندهید شما را قربانی جدال دو جریان فاشیستی و ارتجاعي کنید. فاشیسم اسلامی و فاشیسم ملی به یک اندازه در تقابل با همه خواسته های شما برای یک زندگی انسانی و سعادت مند هستند.

در تجمعات ناسیونالیستها و قوم پرستان به هیچ عنوان شرکت نکنید. در تجمع فراخوان داده شده قوم پرستان آذری در مقابل مجلس شرکت نکنید. این حرکت و جنبش مال ما نیست! این اعتراضات نتیجه مبارزه و ادامه تلاش های 27 ساله ما نیست. ما

جنبش خودمان، اعتراضات خودمان را داریم. بر پرچم جنبش ما نه هویت قومی و نه هویت مذهبی و زنده باد هویت انسانی نوشته شده، بر پرچم ما آزادی و برابری همه انسانها نوشته شده است. این جنبش را سازمان داده و به میدان بیاوریم.

قوم پرستان لشکر کشی نکرده اند تا شما را برای حمایت از مبارزه برحق دانشجویان در روزهای اخیر و برای مطالبات انسان دردمند در جامعه به خیابان بیاورند. نه! اینها میخواهند شما را قربانی نقشه های خود برای از هم پاشیدگی شیرازه جامعه کنند. یک سر نقشه عراقیزه کردن ایران در خیابانهای شهرهای آذربایجان و سر دیگر آن همزمان و هم اکنون زیر نظر وزارت خارجه آمریکا در

حزب کمیونست کارگری - حکمتیست

هشتم خرداد 1385 - 28 مه 2006



جنبش سرنگونی طلبی آزادیخواهان و جنبش سرنگونی طلبی قومپرستانه ارتجاعي

ساله و تفاوت و جدائی شان با مردم دیگر نیانداخته اند، بلکه با پیش راندن هویت ترکی در جامعه، هویت فارسی، هویت کردی، هویت بلوچی و... هم پیش رانده شده است.

با این تحركات جنبش سرنگونی در ایران دو شقه شده است. پس از شکست دو خرداد ما با طرح دو آلترناتیو در جنبش سرنگونی مواجه بودیم. آلترناتیو راست که اساسا رفتن جمهوری اسلامی را در دست به دست شدن دستگاه دولتی جستجو میکرده است و تلاش آن این بوده است تا مردم را به راه حل خود، راه حلی که با کمترین آسیب به ماشین دولتی، جمهوری اسلامی را پشت سر بگذارد و به آن پایان دهد، جلب کند و آلترناتیو چپ که مبین خواستهای عمیق انسانی و آزادیخواهان کارگران و مردم برای کسب حقوق و آزادیهای گسترده اجتماعی و سیاسی و رفاهی و... بوده است و بدنیا نآبودی کامل دستگاه دولتی رژیم اسلامی و برقراری آزادیهای گسترده سیاسی و اجتماعی و تضمین رفاه مردم و... بوده است.

با تحركات بیسابقه قومی اخیر که فقط به تحرك قومی ناسیونالیسم ترك محدود نمیشود، اوضاع عوض شده است. دیگر ما با دو آلترناتیو در جنبش سرنگونی مواجه نیستیم، بلکه با دو جنبش سرنگونی مواجه هستیم. جنبش سرنگونی قومپرستانه و جنبش سرنگونی آزادیخواهان. از این به بعد ما شاهد جدال ایندو جنبش برای کشیدن توده های مردم به میدان مبارزه با رژیم اسلامی هستیم. همین

میدهند که از مسئله کاریکاتور روزنامه ایران فراتر روند و کل مسئله قومی و ستم بر ملت ترك را مطرح کنند. دوخردادیهای سابق رژیمی و غیر رژیمی همه یکصدا برای حقوق ملت ترك بسیج شده اند. همه بسیج شده اند تا طوق قومی و ملی را بر گردن مردم آویزان کنند و پیچهای آن را سفت کنند.

تأثیرات این تحركات ناسیونالیستی در جامعه بسیار عمیق است و اوضاع سیاسی در ایران را وارد دوره نوینی کرده است. تحرك قومی در خوزستان چنین نقشی نداشته است. تحرك قومی در خوزستان یک گسست در جنبش سرنگونی طلبی سراسری و آزادیخواهی مردم بوده است و امید میرفت که تحركات کارگری و جنبش برابری طلبی زن و جنبش برای آزادی بیان و تحركات دانشجویی و... بتواند سکان جنبش سرنگونی را در مسیر آزادیخواهی نگه دارد. اما تحركات قومپرستانه اخیر دیگر یک گسست در یک جنبش نیست. ابعاد این حرکت، درجه برانگیخته شدن و وارد شدن نیروهای سیاسی و اجتماعی در آن و ابعاد کشوری و جهانی آن فراتر از آن است که آن را یک گسست در حرکت جنبش سرنگونی دید. تحرك قومی در تبریز و آذربایجان، ب در کل ایران تحرك قومی را دامن زده است. ناسیونالیستها قومی بشدت فعال شده اند. تا همینجا ناسیونالیستها قومی فقط مردم ترك زبان را یاد قوم و قبیله و ریشه های فرهنگی چند هزار

الان و در همین روزها که جنبش قومپرستی با قدرت به میدان آمده شاهد این جدال هستیم. در حالی که در دانشگاه علم و صنعت جمعیتی بر اساس زبان و قومیت و برای مسئله قومی و فرهنگ قومی سمینار برگزار میکنند و در مقابل مجلس اسلامی، شعارها و مطالبات قومپرستانه و نژادپرستانه سر داده میشود، در دانشگاهها دانشجویان جدا از هر ملت و قوم و زبانی با طرح مسئله مقابله با جداسازیها، مسئله آزادی تشکل و بیان و مطالبات صنفی دیگر، به مقابله با رژیم میپردازند. فعالین زنان با مطالبه خواست ورود زنان به ورزشگاهها، برای ورود به استادیوم ورزشی آکسیون میکنند و بشدت سرکوب میشوند. هم تحرك قومپرستانه ارتجاعي در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد و هم تحرك آزادیخواهان و برابری طلبانه. هم جنبش ارتجاعي سرنگونی طلبی در میدان است و هم جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی.

تاکنون احزاب مختلف قومی و غیر قومی، چپ و یا راست، با رفتن به زیر پرچم دفاع از جنبش رفع ستم ملی از این حرکت

ادامه در صفحه 3

اساس سوسیالیسم انسان است سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

دانشگاه تربیون سیاسی جامعه است و از این تربیون باید حداکثر استفاده را برای افشا و عقب راندن فاشیسم قومی کرد.

مصاحبه با بهرام مدرسی

کمونیسیت: اعتراضات دانشجویی علیه پلیسی و نظامی کردن فضای دانشگاهها، علیه آپارتاید جنسی و علیه سرکوبگری رژیم کماکان ادامه دارد. تعدادی از فعالین دانشجویی دستگیر و یا ناپدید شده اند. اوضاع رو به کجا می رود و قدرت سرکوب رژیم تا چه حد است.

بهرام مدرسی: اینکه اوضاع رو به کجا می رود بستگی به فاکتورهای متعددی دارد که اعتراضات دانشجویان بخشی از این فاکتورها را تشکیل میدهد. خود اعتراضات دانشجویی اما تحرکی بشدت قابل دفاع علیه نظامی کردن فضای دانشگاه ها و فشار و پس گرفتن دستاوردهای دانشجویان است. به نظر من تا همین جا این اعتراضات موفق بوده اند. رژیم اسلامی حتما تلاش خواهد کرد که همین اعتراضات را هم به عقب براند، واقعیت این است که تا چند هفته دیگر امتحانات دانشگاه ها تمام میشوند و طبق ابلاغیه رژیم کوی دانشگاه ها هم باید اگر اشتباه نکنم تا اوایل ماه تیر بسته شده باشند. به هر حال خود همین کمکی به رژیم اسلامی است که این فشار دانشجویان و مقاومت آنها را از سر بگذرانند. این جا فاکتور مهم این است که همین فضای اعتراضی را تا بازگشایی دانشگاه ها در مهر ماه حفظ کنیم و نگذاریم تا آن وقت کسی دستگیر و یا زندانی شود. خودخواست آزادی دانشجویان دستگیر شده میتواند مبنایی برای

ادامه این تحریکات باشند. به هر حال تعطیلات تابستان هم برای رژیم فرصتی است و هم برای دانشجویان. حتما سعی میکنند از این استفاده خود را بکنند. اینکه رژیم موفق به عقب راندن دانشجویان میشود یا نه بستگی مستقیمی به تحریکات دانشجویان البته خارج از دانشگاه است. همانطور که گفتم خواست آزادی همه دستگیر شدگان میتواند مبنایی برای این باشد.

کمونیسیت: در کنار اعتراضات وسیع دانشجویی ما شاهد تحریک قوم پرستان در شهرهای مختلف آذربایجان بودیم. انعکاس این تحریک در دانشگاهها چگونه بوده و تا حد توانستند فضای رادیکال دانشگاه را تحت تاثیر قرار بدهند؟

بهرام مدرسی: اعتراضات دانشجویان قبل از این تحریکات قومی شروع شده بود. در جریان این اعتراضات، قوم پرستان و ناسیونالیست ها تلاش کردند که جایی برای اعتراض خود در میان دانشجویان پیدا کنند. شبی در کوی دانشگاه فراخوان به تظاهرات علیه "توهین به قوم آذری" دادند که خوشبختانه با هوشیاری دانشجویان آزادیخواه کار بجایی نبرد. نشریات متعددی که وابسته به این ناسیونالیست ها هستند فراخوان هایی دادند که ناموفق بود. راستش به نظر من این حماقت این جماعت ناسیونالیست را نشان میدهد که درجایی که آنها از هزار گوشه آن مملکت جمع شده اند، فکر میکنند که میتوانند مردم را با شعارهای

ناسیونالیستی جمع کنند، قبل از اینها هم ناسیونالیست های کرد همین تلاش را کرده بودند. البته همه آن ها محافل و دسته های خود را در دانشگاه دارند ولی این بار همانطور که گفتم موفق نبودند.

اعتراضات دانشجویی در سطح کل مسایل سیاسی در جامعه مطرح شد اما این تحریکات قومی اعتراض دانشجویان را بخشا به حاشیه راند و نظرها را با کمک له له زندهای اپوزیسیون وارفته و دست به دهان برگرداند.

علیرغم این به نظر من روشن بینی فعالین سیاسی چه در تهران و چه شهرهای دیگر علیه قوم پرستی فعلا اجازه نداد که دانشجویان و خواسته هایشان کلا کنار زده شوند.

کل ادامه این اوضاع همانطور که گفتم به فاکتورهای مختلفی بستگی دارد که طبیعتا همه را نمیشود در قالب این اعتراضات دانشجویی توضیح داد.

کمونیسیت: ما شاهد شکافی عمیق و جدی در جنبش سرنگونی و سر بلند کردن قوم پرستی و هویت تراشی کاندب برای مردم هستیم. دانشگاه و جنبش اعتراضی دانشجویی چقدر میتواند در رادیکال نگه داشتن فضا موثر باشد.

بهرام مدرسی: میتواند بسیار موثر باشد! بعنوان جایی که در آن پرچم برابری انسان ها و هویت انسانی در



مقابل ناسیونالیسم و قوم پرستی قرار میگیرد. بعنوان جایی که عملا میتواند از تربیون آن به مردم گفت که "گول این اراجیف کثیف قومی را نخورید" و اعلام اینکه نه تنها نباید گول آن را خورد بلکه باید فعال در مقابل آن هم ایستاد. دانشگاه تربیون سیاسی جامعه است و از این تربیون باید حداکثر استفاده را برای افشا و عقب راندن این فاشیسم قومی کرد.

روشن است که دانشگاه به تنهایی نمیتواند جواب همه مسایل اجتماعی را بدهد و این انتظار را هم نباید داشت، اما تا آنجا که به امکانات دانشجویان مربوط میشود این امکان را دارند که تربیون برابری انسان ها باشند. طرف دیگر مسله این است که دانشجویان آزادیخواه سعی کنند که رفقای دیگرشان را قانع کنند که جامعه را نباید به اقوام و عشایر و ناسیون ها تقسیم کرد. این مبارزه ای سیاسی، فرهنگی اجتماعی بزرگی را در محیط زندگی میطلبد.

نقش جمهوری اسلامی و شرائط اختناق و سرکوب در ایران نقش زیادی در بوجود آمدن و پر و بال گرفتن جنبش قومی دارد. اگر هر بار که یک تکان قومی و ملی بوجود میآید، یکی در تهران بلند شود و بگوید تا سرکوبی کامل این غائله چکمه هایم را در نمیآورم و به نام مبارزه با تجزیه طلبان خون ریزی کند، آنوقت آنطرف هم قومگراها این امکان را میابند تا خشم مردم از جمهوری اسلامی را در قالب قومی و دفاع از حقوق قوم و ملت بریزند و به نام دفاع از حق قوم و ملت خود حقایق و مشروعیت در میان مردم بیابند. این روندی است که به نظر میآید شروع شده است.

حزب حکمتیست تنها حزبی است که به تقابل دو جنبش سرنگونی طلبی در جامعه آگاه است و تاکتیک خود را بر تقویت جنبش سرنگونی طلبی آزادیخواهانه در مقابل جنبش سرنگونی طلبی قوم پرستانه قرار داده

ملی و جنبش مردم بر علیه رژیم اسلامی پرداخته اند. این احزاب و جریانها باید رسوا شوند. باید اهداف و تاکتیکهای اینها برای مردم افشاء شوند. حمایت اینها از حرکت قومی، باید مانند حمایت برخی از جریانها سیاسی از جریان اسلامی در سال 57 افشاء شود.

جنبش ارتجاعی قوم پرستی فقط به دلیل شعارهای تند راسیستی و نژادپرستانه آن محکوم نیست، بلکه بدون این شعارها هم این جنبش بر مبنای زبان و قومیت میداندار شده است و ارتجاعی است.

اگر تظاهرات در تبریز و ارومیه و زنجان و مقابل مجلس اسلامی بطور خاموش هم برگزار میشد و هیچ شعاری داده نمیشد، این حرکت، یک حرکت قومی و بر اساس قومیت و زبان و بر علیه خواست آزادی بیان شکل گرفته است و به همین عنوان باید به آن برخورد میشده است.

جنبش سرنگونی طلبی آزادیخواهی و
ادامه از صفحه 2

قومی حمایت کرده اند. برخی شان کمی از شعارهای تند نژادپرستانه دل آزرده شده اند و از ناسیونالیستهای قوم پرست خواستند که چنین شعارهایی ندهند. اما از براه افتادن این جنبش قومی حمایت کرده اند و از مردم هم خواسته اند که در این حرکتهای قومی شرکت کنند. صف بندی احزاب و نیروهای سیاسی ایران هم با به میدان آمدن جنبش سرنگونی طلبیانه ارتجاعی قومی به شدت دستخوش دگرگونی شده است. اکثریت احزاب و جریانها سیاسی مفتون قدرت بسیج ناسیونالیسم قومی شده اند. اکثریت، راه کارگر، حزب کمونیسیت کارگری، جبهه مشارکت، مشروطه خواهان، کومه له، دموکرات، حزب توده، حزب اعتماد ملی و... با انتقاد از شعارهای تند نژادپرستانه به حمایت از جنبش قوم پرستانه، تحت عنوان جنبش رفع ستم

ادامه از صفحه 1

پرسش و پاسخ با منصور حکمت در جلسه پالتاک

در باره ملیت، مساله ملی و.....

بزنند.

آیا ستم ملی وجود دارد؟ حتما وجود دارد، برای اینکه ناسیونالیسم وجود دارد و ناسیونالیسم تخصصش این است که ملیت را تبدیل کند به یک مرز غیر قابل عبور، آدمها را به این ترتیب تقسیم کند و تفرقه در آنها بوجود آورد. برای اینکه بعنوان یک ملت به ملت دیگری زور بگوید، ستم ملی وجود دارد.

ولی ستم ملی را باید رفع کرد، پاسخ ستم ملی، کشور دادن به مردم نیست. هر کس بیاد و به شما بگه حسن آقا دارند پشت سر من جوک درست میکنند، شما به من یک کشور بدهید، شما از او قبول نمیکنید. ستم ملی جوابش رفع ستم ملی است. همانطور که ستم جنسی جوابش رفع ستم جنسی است و ستم نژادی جوابش رفع ستم نژادی و کشور دادن به قربانیانش نیست. این را ناسیونالیستها در دو سه قرن اخیر در جهان باب کرده اند که ملیت مبنای حکومت است. به نظر من ملت مبنای حاکمیت نیست، مبنای فلسفی حکومت ملیت نیست. مبنای فلسفی حکومت فقط میتواند انسان

باشد و اتحاد داوطلبانه آمههایی که آنجا میخواهند زندگی کنند، مینا شهروندی است. در نتیجه اگر فرض کنیم که حکومتها قرار نیست ملی باشند و ناسیونالیستی، آنوقت معلوم نیست چرا ستم ملی باید به تشکیل کشور های مختلفی منجر بشود.

یک نمونه دیگر راجع به مساله ملی...

اگر ناسیونالیستها همت کنند و چنان مسائل ملی را باد بزنند و چنان فجایع ملی بوجود بیاورند که دیگر نشود بین آن ملتها با زبان خوش صلح و صفا ایجاد کرد، بله مجبوریم بعنوان یک راه حل تلخ از جدایی مردم حرف بزنیم و به رفراوندیهای قاتل باشیم که اجازه میدهد که ملتی که به آن خیلی ظلم شده و دیگر خوش بینی اش را نسبت به اتحاد داوطلبانه از دست داده، اگر میخواهد جدا بشود. به این اعتبار من میپذیرم. در مورد کردستان، خود ما سیاست رسمی مان اجازه داده به یک رفراوند و خواست یک رفراوند در کردستان که آیا مردم کردستان میخواهند جدا بشوند یا میخواهند در ایران با بقیه مردم با شرایط مساوی با بقیه شهروندان

بمانند؟ ولی این رفراوند را شما میگویید باید در مورد گیلان هم گذاشت؟ من اینطور فکر نمیکنم! هر قدر هم ممکن است به مردم گیلان ستم روا شده باشد، مساله ملی که در آن خون بپا شده باشد، بدبینی و دلچرکینی بوجود آمده باشد، غم پشت سرش نهفته باشد، خشم انبار شده باشد، چنین مساله ای در مورد مردم گیلک نداریم. هر وقت چنین مساله ای را برابمان ساختند، آنوقت مجبوریم با همین نسخه برویم سراغش. ولی ما به استقبال تجزیه آدمها نمیرویم، به استقبال جدا کردن انسانها از همدیگر نمیرویم، به استقبال تقسیم آنها به کشورهای شش در چهار که در هر کدامش قومی زندگی میکنند نمیرویم. برعکس جهان باید مرزهایش را بردارد، باید آدمها با هم زندگی کنند، به هر زبانی میخواهند حرف بزنند، به هر زبانی میخواهند بنویسند و هر کدامش را در مرادات اداری مؤثرتر است بکار ببرند.

من شخصا نه ناسیونالیستم و نه به هیچ ناسیونالیستی میخواهم آوانس بدهم.

نشریه "پاسخ" شماره ۵۰، ویژه حوادث آذربایجان: به سردبیری ایرج فرزند، منتشر شد

آدرس اینترنتی نشریه پاسخ: www.Pasox.org

در پاسخ شماره ۵۰ مطالب زیر را میخوانید:

- قیام مردمی، منصور حکمت

- زنده باد آزادی و برابری، به صف ارتجاعی قوم پرستان نبیوندید!، روزنامه نگاران زندانی فوراً باید آزاد شوند! کورش مدرسی

- تحریکات قومی ادامه دارد، با صدای آزادی و برابری باید به آن پاسخ داد! ثریا شهابی

- تظاهرات ناسیونالیستی تبریز و سطحی نگری اپوزیسیون سعید کرامت

- برگ انجیر سیاستمداران بی چریزه - کاریکاتورست قهرمان! مصطفی اسد پور

- عروج قوم پرستی: خطر پاکسازی قومی در میزند. رحمان حسین زاده

- سازمان زحمتکشان و ظهور "امین صادقی" مورخ! ایرج فرزند

- وقایع تبریز و عروج ناسیونالیسم در حزب کمونیست کارگری

- از الاهوا تا یاشاسین آذربایجان آنر مدرسی

- الله اکبر، این بار قومی آن! ایرج فرزند

- اپوزیسیون و حوادث آذربایجان گزیده ای از اطلاعاتی های جریانات مختلف اپوزیسیون. حککا، راه کارگر، اکثریت و....

گزیده ای از اطلاعاتی ها و مواضع خیره کننده رهبری جدید حزب کمونیست کارگری "بدون شرح"

اهانت به هموطنان ترک و آذری را محکوم می کنیم!

حزب دموکرات کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت

کو مه له- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ضمیمه 1 منتخب آثار منصور حکمت در 600 صفحه منتشر شد



مطالبات و شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه بسیج کند. سرنگونی جمهوری اسلامی باید توسط این جنبش صورت گیرد. جمهوری اسلامی را باید با قیام مردم، مردمی که نه با هویت قومی و ملی، بلکه با هویت انسانی و طبقاتی به میدان میانند انداخت. جنبش کارگری، جنبش آزادی زن، جنبش جوانان، جنبش سکولاریستی و کلا جنبش آزادی و برابری انسان میتواند مبارزه بر علیه رژیم و سرنگونی رژیم را با آزادی و سعادت و خوشبختی همراه سازد.

جنبش سرنگونی طلبی.....

جامعه نابود خواهد ساخت. زیر شعار رفع ستم ملی و قومی از قوم ترک، پاکسازی قومی نهفته است. الان مطالبه شان قطع رابطه با ارمنستان است و فردا قطع نخاع ارمنی.

با به پیش رانده شدن سرنگونی طلبی قومی، جامعه در آستانه جنگ قومی قرار میگیرد.

باید تلاش کرد تا جنبش آزادیخواهی سرنگونی صحنه سیاسی ایران را به اشغال خود در آورد و مردم را حول